

آسیب‌شناسی نقش والدین در پرورش مسئولیت‌پذیری فرزندان با تأکید بر آیات قرآن

فاطمه صابری^۱

چکیده

مسئولیت‌پذیری به معنای قابلیت پذیرش، پاسخگویی یا به عهده گرفتن کاری است که از انسان درخواست می‌شود و انسان مسئول به عنوان انسانی کارآمد است که سکان زندگی‌اش را به دست می‌گیرد اما متأسفانه این فرهنگ در جامعه شکل گرفته که افراد مسئولیت کار خود را نمی‌پذیرند و بر دوش دیگران می‌اندازند که روانشناسان ریشه این مسأله را در تربیت کودک می‌دانند. هدف از این پژوهش، آسیب‌شناسی نقش والدین در پرورش مسئولیت‌پذیری فرزندان با تأکید بر آیات قرآن است. البته والدین با بردباری، شکیبایی، قاطعیت در مقابل تصمیم‌گیری فرزندان آن‌ها را مسئول پذیر می‌کنند. در زمینه مسئولیت‌پذیری فرزندان در خانواده نقش پدر و مادر و آسیب‌های مهم مسئولیت‌پذیر بودن فرزندان در برابر اعمال محول شده به آن‌ها است در این مقاله سعی بر این شده است که چگونه فرزندان مسئولیت‌پذیر پرورش دهیم، مورد بررسی قرار گرفته تا پدر و مادر به وسیله رفتار مناسب خود فرزندان خود را مسئولیت‌پذیر به جامعه سوق دهند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که والدین مسئولیت‌هایی را که به فرزندان می‌دهند باید با سن کودک و دوره رشد آن متناسب باشد؛ بنابراین مسئولیت‌ها نباید هرگز تحمیلی باشد زیرا باعث احساس عدم اعتماد به نفس، اضطراب، سرخوردگی، بی‌زاری و... می‌شود. بنابراین پژوهش حاضر به شیوه مروری و با استناد به منابع کتابخانه‌ای تألیف شده است.

کلیدواژه‌ها: آسیب، نقش، والدین، پرورش، مسئولیت، قرآن کریم.

^۱ سطح دو، مرکز مدیریت غیر حضوری قم.

مقدمه

ایجاد و تقویت حس مسئولیت‌پذیری فرزندان در مبانی تربیت قرآنی مهم تأکید بوده است. والدین باید به فرزندان خود اعتماد کنند و آن‌ها را نسبت به تصمیم‌گیری‌هایشان مسئول نمایند؛ و با حضور آن‌ها در مسئولیت انتخاب‌گری، آن‌ها را هم به خودشان واگذار نمایند، چرا که حس مسئولیت‌پذیری از فرزندان، انسان‌های توانمند، مقتدر و مسئول می‌سازد. زمانی که بچه‌ها مسئولیت‌پذیر تربیت شوند آن‌ها هم در آینده فرزندان مسئولیت‌گریز تربیت می‌کنند. مسئولیت والدین در برابر فرزندان، تربیت صحیح آن‌ها است. این مسئولیت به‌اندازه‌ای مهم است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله وسلم) می‌فرماید؛ اگر هر یک از شما به تربیت فرزند خود بپردازد، برای او نیکوتر از آن است که هر روز نیمی از درآمد خود را در راه خدا صدقه بدهد؛ اما درباره اینکه چه زمان و مکانی برای مسئولیت‌پذیر کردن فرزندان مناسب است، باید گفت که معمولاً بین ۳ تا ۵ سالگی، کودک هر چیزی را از روی تقلید یاد می‌گیرد برای همین والدین می‌توانند مرتب کردن اتاق را مانند بازی به او نشان دهند و او را در این کار همراهی نمایند. او نیاز دارد بداند این کار را از کجا شروع کند و هر وسیله را چگونه باید بکار برد؛ بنابراین تصور نکنند فرزند خود خیلی کوچک است و از عهده این کار بر نمی‌آید، وقتی زمان تمیز کردن اتاق کودکان می‌شود حتماً مسئولیت‌هایی را به او بدهید. کودک با کمک شما معنای مسئولیت را می‌فهمد و تمایل پیدا می‌کند که این کار را تکرار کند.

در پیشینه این پژوهش، مقالاتی در ارتباط با این موضوع نگاشته شده است و هر کدام از این پژوهش‌ها به یک بحث در ارتباط با موضوع پرداخته‌اند از جمله در مقاله: «رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان مهر، سال ۱۳۹۵-۱۳۹۴» نگارنده؛ پروانه دودمان؛ این پژوهش با هدف بررسی تأثیر شیوه‌های فرزند پروری بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان مهر صورت گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد شیوه‌های فرزند پروری والدین بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستانی می‌تواند اثربخش باشد و از بین سه شیوه فرزند پروری؛ شیوه اقتدار منطقی والدین تأثیر مثبت بیشتری بر مسئولیت‌پذیری فرزندان دارد و در مقابل، شیوه استبدادی والدین، تأثیر منفی بر میزان مسئولیت‌پذیری فرزندان می‌گذارد؛ و در مقاله‌ی «نقش والدین در ایجاد مسئولیت‌پذیری کودکان» نگارنده؛ فاطمه اکبری و زهرا شفیعی؛ پژوهش حاضر، با هدف بررسی نقش والدین در ایجاد مسئولیت‌پذیری کودکان انجام شد. به منظور دستیابی به این هدف آثار مکتوب مربوطه مطالعه شده و عوامل تربیتی مؤثر بر مسئولیت‌پذیری کودکان معرفی و بررسی گردید. نتایج نشان داد که این عوامل عبارت‌اند از: فراهم کردن زمینه مسئولیت‌پذیری در

دوره کودکی اول، واگذاری مسئولیت متناسب با سن و توانایی کودک، نقش الگویی والدین، هماهنگی والدین در تربیت کودک، تقویت اعتماد به نفس کودک، تمرین و تکرار فعالیت‌های مسئولیت ساز برای کودکان. ولی در این مقاله حاضر سعی بر آن شده است تا ضمن پرداختن به مفاهیم کلیدی پژوهش و ضرورت مسئولیت‌پذیری به بررسی آسیب‌های نقش والدین در پرورش مسئولیت‌پذیری فرزندان با توجه به قرآن کریم پرداخته شود.

۱- مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به بحث‌های اصلی لازم است کلمات کلیدی و تأثیرگذار را که در این پژوهش مطرح است مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار داده شود تا با روشن شدن مفاهیم آن‌ها، تبیین هرچه بیشتر بحث ممکن شود.

۱-۱- آسیب‌شناسی

آسیب در لغت به معنای زخم، ضرب، صدمه، تعب و رنج، مشقت، آفت، نکبت، بلا، فتنه، خطر، گزند، آزار، کوفتگی، زیان، خسارت، کوب، گزند، زیان و خسارت، ضربه و چیزهای دیگر به کار رفته است.^۱ آسیب‌شناسی در اصطلاح به معنای مطالعه و شناخت عوامل به‌نظمی‌ها در ارکانیسم انسانی جهت درمان بیماری‌های جسمانی است. آسیب‌شناسی اجتماعی، مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی به‌عاریه گرفته شده است و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضوی و انحرافات اجتماعی قائل می‌شوند.^۲

۱-۲- مسئولیت

کلمه مسئولیت از ماده «سأل»^۳ گرفته شده است و به معنای پاسخ‌گو بودن در برابر چیزی یا در معرض بازخواست بودن آمده است که با وظیفه تلازم دارد.^۴ برخی، مسئولیت را مترادف با موظف بودن و یا متعهد بودن به انجام امری می‌دانند.^۵ این واژه با واژه‌هایی مانند وظیفه، تکلیف، تعهد و حق، تلازم دارد، زیرا تا وظیفه‌ای بر دوش کسی نباشد، مسئولیتی در قبال انجام یا ترک آن نخواهد

^۱ عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۷۳.

^۲ فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، ص ۶۵.

^۳ مصطفی، المعجم الوسیط، ص ۳۵۷.

^۴ مصباح، فلسفه اخلاق، ص ۱۸۵.

^۵ دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳۴، ص ۴۴۷.

داشت و هرگاه سخن از حق به میان می‌آید، تکلیف و مسئولیتی هم در پی آن خواهد بود و با اثبات حق برای یک طرف، تکلیف و مسئولیتی متوجه طرف دیگر خواهد شد.

به این جهت که هر جا سخن از مسئولیت باشد، وظیفه نیز مطرح است؛ زیرا مسئولیت‌پذیری ایجاد وظیفه می‌کند و فرد مسئول باید در حوزه مربوط به وظایفش عمل کند؛ و از فرد مسئول پرسش و بازخواست می‌شود که به وظایفش عمل کرده است. مسئولیت در اصطلاح و عرف جامعه، نزدیک به همان معنای لغوی به کار می‌رود و منظور از آن در این گفتار، عبارت است از: وظایف دینی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی که به عهده فرد گذاشته می‌شود و او باید به آن عمل کند و ممکن است آن وظایف در محیط خانواده، مدرسه و اجتماع شکل بگیرد؛ زیرا انسان در برابر دیگران وظایف گوناگونی دارد. جوانان با توجه به توانایی‌های خاص خود مسئولیت‌های گوناگونی در قبال خانواده و جامعه دارند و آنان باید با شناخت درست آن وظایف، در عمل کردن به آن نیز کوشا باشند.

۱-۳- پرورش

پرورش در لغت به معنای پروردن و پروراندن است.^۱ و در اصطلاح، به فعلیت رساندن استعداد و به کمال رساندن فرد کمال‌گرا معنا می‌دهد. هنگام مقایسه آموزش با پرورش، به این نتیجه می‌توان رسید که آموزش به دلیل حرکت تکاملی، شاخه‌ای از پرورش به شمار می‌آید. پرورش هم‌چنین به معنی ساخته‌شدن انسان و رسیدن او به کمال حقیقی خویش به گونه‌ای شناختی و نه علمی است.^۲ اگر پرورش به معنای شکوفایی استعدادها و رشد نیروهای ذهنی و اندامی باشد، مراکز دانشگاهی وظیفه آموزش آن را بر عهده دارند، ولی چنان چه به معنای نظم رفتاری، آداب اجتماعی ویژه و عادت یافتن به اجرای آن‌ها باشد، آموزش آن را هر قوم به گونه‌ای متفاوت مطرح می‌کند. اگر پرورش به معنای دگرگونی‌های وجودی باشد، به گونه‌ای که پیامدهای آن، رساندن خیر به خود و دیگران و رعایت ادب و حقوق است، گاهی حکما و گاهی عرفا آن را یاد می‌دهند، ولی بهترین، ژرف‌ترین و اصیل‌ترین نوع آن را دین حق آموزش می‌دهد. چنان پرورشی، گاه ادب علمی نام دارد، گاه ادب مصاحبتی، گاه ادب نفسانی و گاه ادب مکتبی. اگرچه این نام‌ها متفاوت‌اند، ولی با یکدیگر هم‌ریشه بوده و هر کدام نمایشگر یک فضیلت هستند. با این حال، نقطه اشتراک همه دیدگاه‌های گوناگون در

^۱ عمید، فرهنگ عمید، ص ۵۵۹.

^۲ حائری شیرازی، تربیت اسلامی، ص ۲۱.

این زمینه، ضبط نفس، حسن رابطه نفس، قدرت داوری شایسته و نیکو به اجرا گزاردن برخورد است.^۱

۲- ضرورت مسئولیت‌پذیری

در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسئولیت‌پذیری را برای انسان بیان کرده است؛ مثلاً قبول مسئولیت در قرآن به بار سنگین تشبیه شده است: «و لا تزر وازره وزر اخری»^۲؛ «هیچ گناه‌کاری، بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد.» در این آیه، «وزر» به معنای سنگین است و در برخی از تفاسیر به معنای گناه و مسئولیت نیز آمده است؛ یعنی در روز رستاخیز هر کس مسئول پاسخ‌گویی به اعمال خویش است.^۳

فرزند تا سن جوانی، بیشتر اوقات خود را در خانواده می‌گذراند و از نظر مالی و عاطفی به والدین خود وابسته است و از آنجا که در سنین کودکی و نوجوانی، تربیت‌پذیری فرزند بیش از دیگر دوره‌های زندگی است، نقش خانواده در تربیت انکارناپذیر و بسیار گسترده‌تر از دیگر عوامل است. در این بین، مسئولیت والدین در تربیت فرزند و انتخاب شیوه تربیتی مناسب، بسیار سرنوشت‌ساز است؛ تا حدی که روش‌ها و الگوهای تربیتی آن‌ها به طور مستقیم با ویژگی‌هایی رابطه دارد که مایل‌اند این ویژگی‌ها در فرزندشان وجود داشته باشد؛ بنابراین، چگونگی رابطه میان اعضای خانواده و نحوه ارتباط والدین با فرزندان، در شکل‌گیری شخصیت آن‌ها اهمیت بسیاری دارد. از نگاه آموزه‌های دینی، بهترین مدل، مدل تربیتی خانواده‌های مقتدر است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرَ لَكُمْ»^۴؛ «فرزندانتان را گرامی دارید و خوب تربیت کنید تا خداوند شما را بیامرزد.»

این فرمایش حضرت گواهی بر لزوم شخصیت‌دادن و پرورش مسئولیت‌پذیر کردن فرزندان است؛ زیرا امام در عین اینکه احترام به فرزندان را ضروری دانسته‌اند، بر الگودهی شایسته به آنان و طرز رفتار درست مبنی بر مسئولیت‌پذیر شدن آن‌ها نیز تأکید ورزیده‌اند.

^۱ مظلومی، گامی در مسیر تربیت اسلامی، ج ۲، ص ۱۶۶.

^۲ فاطر: ۱۸.

^۳ مکارم، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۲۲۴.

^۴ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۶.

امام رضا (علیه السلام) نیز از شیوه مؤثر احترام و مسئولیت‌پذیر شدن فرزند در تربیت حضرت جواد تا جایی بهره می‌بردند که ایشان را با نام صدا نمی‌زدند؛ بلکه بیشتر با کنیه که نزد عرب نشان بزرگداشت و احترام است، ایشان را خطاب می‌کردند.^۱

والدینی که فرزند را به شیوه‌ای اطمینان‌بخش و قاطع در قبول مسئولیت‌ها آزاد می‌گذارد. فرزند خویش را به استقلال و آزادی فکری تشویق می‌کند، درعین اینکه نوعی محدودیت و کنترل نیز بر فرزند اعمال می‌کنند. در چنین خانواده‌ای، اظهارنظر و ارتباط کلامی وسیعی در تبادل کودک با والدین وجود دارد و گرمی و صمیمیت و محبت بین آن‌ها در حد چشمگیری است. در این خانواده داشتن انضباط به همراه رفتار خودمختارانه است. هرگاه والدین فرزند را از مسئولیتی منع کنند یا از وی انتظاری خاص داشته باشند، برای او مسئله را خوب تبیین کرده و دلیل آن را نیز مطرح می‌کنند. در چنین خانواده‌ای تقسیم‌کار نیز وجود دارد. هریک از اعضا مسئولیتی به عهده می‌گیرد و در تصمیم‌گیری‌ها و تقسیم درآمدها، رفت‌وآمدها، روش زندگی و دیگر مسائل، براساس مشورت و پیروی از مبنای عقلی و مصلحت‌اندیشی رفتار می‌کند. اساس کار این نوع از خانواده‌ها آن است که همه افراد خانواده درخور احترام‌اند و صلاحیت اظهارنظر درباره مسائل و مشکلات مربوط به خود را دارند؛ بنابراین، در تصمیماتی که درباره آن‌ها می‌گیرند یا کاری که به آن‌ها مربوط است، حق دخالت دارند و در تصمیم‌گیری‌ها، عاقلانه وظیفه خود را انجام می‌دهند. نوعی روش عقلایی در تمام شئون زندگی این خانواده‌ها وجود دارد و اساس این نوع زندگی، بر همکاری و همیاری است. بین اعضای چنین خانواده‌ای مشورت وجود دارد؛ ولی تصمیم نهایی را پدر می‌گیرد و برای تصمیمات خود، دلیل قانع‌کننده‌ای دارد.^۲

هم‌چنین در سیره تربیتی امام رضا (علیه السلام) نیز چنین آمده که ایشان با واگذارن مسئولیت‌ها به فرزند خود، قدرت مدیریت و رهبری را در او تقویت کردند و نیز زمینه استقلال و خوداتکایی وی را فراهم ساختند. حنان بن سدیر می‌گوید: «حضرت جواد (علیه السلام) با اینکه کودک و نوجوان بود، پیوسته اداره کارهای حضرت رضا (علیه السلام) را در مدینه به عهده داشت و به خادمان حضرت امر و نهی می‌کرد و هیچ یک از خدمتگزاران با وی مخالفت نمی‌کرد.»^۳

^۱ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۹.

^۲ مصباح، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج ۲، ص ۸۷۴.

^۳ عطاردی، مسند الامام الرضا، ج ۱، ص ۲۱۴.

هم‌چنین حضرت جواد (علیه‌السلام) مدیریت خوبی داشتند و آن‌ها با ایشان مخالفت نمی‌کردند. با توجه به این مطالب درمی‌یابیم که خانواده تأثیر مثبت یا منفی در تربیت فرزند دارد.^۱

۳- آسیب‌شناسی نقش والدین در پرورش مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری فرزندان از جمله مهارت‌های لازم در زندگی است و یکی از نقش والدین در فرزندپروری آموزش این مهارت به فرزندان خویش است. اگر والدین به صورت درست و متناسب با سن و اقتضای شرایط فرزند مسئولیت‌درستی به وی ندهند و یا در صورت فشار زیاد به مسئولیت‌پذیر کردن فرزند خویش اقدام کنند فرزند در آینده به اختلالات جسمی و روانی دچار می‌شود که ما در اینجا به مهم‌ترین این آسیب‌ها می‌پردازیم.

۳-۱- ناهنجاری اجتماعی

یکی از آسیب‌های نقش والدین در پرورش مسئولیت‌پذیری فرزندان، ناهنجاری اجتماعی است. اگر فرزندان به خود انتقادی و کنترل و ارزیابی خویش نپردازند آگاه بر خطاهای خویش نمی‌شوند و به تقویت اعمال نیکو و از بین بردن اعمال زشت نمی‌پردازند و به این جهت این فرد مسئولیت‌پذیر نمی‌شود. چنین فردی اگر به مداومت این امر اهتمام نرزد بی‌شک در همه اعمال، رفتار، گفتار و حتی تفکرات خویش مسئولیت‌پذیری را سرلوحه زندگی خود قرار نمی‌دهد. واژه مسئولیت در عرف عام به مفهوم تصمیم‌گیری مناسب است که فرزندان در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از او می‌رود، دست به انتخابی بزند و این انتخاب سبب ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش ایمنی، موفقیت و آسایش خاطر می‌شود؛ والدینی نقش زیادی در احساس مسئولیت فرزندان می‌کنند به ابزار، نگرش‌ها و منابعی که برای ارزیابی موثر موقعیت‌ها نیاز دارند، مجهز نیستند و به انتخاب‌هایی دست می‌زنند که برای خود و اطرافیان‌شان مناسب نیست؛ بنابراین، وقتی فرزندان به صورت افراطی مسئولیت‌پذیر و خود کنترل شدند، هرج و مرج رفتاری، فکری و گفتاری در او به وجود می‌آید و هر رفتار، گفتار و فکری بر اساس نظم، قاعده و با ضمانت پاسخگو نخواهد بود و باعث عدم رعایت هنجارهای خانوادگی، مذهبی و اجتماعی خواهد شد و ناهنجاری‌های اجتماعی زیاد خواهد شد.^۲

هدف کلی آیات قرآن کریم رساندن انسان به سعادت همه جانبه است که محور همه معارف، اصول و احکام در قرآن حق است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «ذَلِكَ لِكِ بَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنْ مَا

^۱ داوودی، نقش معلم در تربیت دینی، ص ۱۰۱.

^۲ شکوهی، آشنایی با مهارت‌های زندگی از دیدگاه اسلام، ص ۴۵.

يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ»^۱؛ «و این به خاطر آن است که خداوند حق است و آنچه را غیر از او می‌خوانند باطل است و خداوند بلند مقام و بزرگ است.» و در جای دیگر می‌فرماید: «وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ»^۲؛ «و با آن‌ها کتاب به راستی فرستاد.» و در جای دیگر می‌فرماید: «فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ»^۳؛ «بعد از حقیقت جز گمراهی چیست؟ پس به کجا روی می‌آوردید.»

این آیات اشاره به این دارد که قرآن کریم معیار مشروعیت و اعتبار یک عقیده، ارزش و هنجار و رفتار اجتماعی را هماهنگی با حق می‌داند و دیگر اعمال را باطل معرفی می‌کند. قرآن با توجه به این اصل، احکام و معارف خود را انشاء و ابلاغ کرده است. همان طور که به حضرت موسی (علیه‌السلام) خطاب شد که: «این مسئولیت برای تو بسیار سنگین است، تو خود به تنهایی نمی‌توانی آن را به انجام رسانی تو به طور مسلم فرسوده خواهی شد»^۴ بنابراین فرزندان قادر نیستند در شرایط پیچیده اجتماعی و اقتصادی کنونی همه مسئولیت‌های لازم را انجام دهند. معمولاً فرزندان که سعی می‌کنند این کار را انجام دهند معمولاً موفق نمی‌شوند. برخی از فرزندان که وقت این کار را پیدا می‌کنند شاید برای مدتی تصمیم درستی بگیرند، اما سلامتی آنان از بین می‌رود و به این دلیل موفق نمی‌شوند.

۳-۲- بازخواست

از دیگر آسیب‌های نقش والدین در پرورش مسئولیت‌پذیری فرزندان، بازخواست شدن است. والدینی که خود قوانین را وضع می‌کنند و رأی و نظر فرزندان را دخالت نمی‌دهند. فرزندان را مجبور به اطاعت کورکورانه از قوانین بوده و در صورت عدم اطاعت، بازخواست می‌شوند. تحمیل قوانین به صورت انعطاف‌ناپذیر است؛ و روابط والدین نوعاً استبدادی است؛ یعنی با فرزندان خود، رابطه یک طرفه برقرار می‌کنند. آن‌ها بر این تصور هستند که فهم، اطلاعات و کمالات بیشتر دارند. در واقع، به فرزندان خود به چشم یک عروسک کوکی می‌نگرند. آنان گمان می‌کنند که از هر راه که بخواهند می‌توانند در فرزندان خود تغییر ایجاد نمایند. این والدین به فرزندان خود به دیده تحقیرآمیزی

^۱ حج: ۶۲.

^۲ بقره: ۲۱۳.

^۳ یونس: ۳۲.

^۴ سوره هفدهم در تورات، آیات ۱۸ - ۱۷.

می‌نگرند و خود را عقل کل می‌دانند.^۱ قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن مِّنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ»^۲ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شما هستند، از آنها بر حذر باشید.» در ادامه آیه برای تعدیل آنها می‌گوید: «وَإِن تَعَفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»^۳؛ «و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و ببخشید خداوند شما را مشمول عفو و رحمتش قرار می‌دهد؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است.» بنابراین سه جمله «تَعَفُوا، وَتَصْفَحُوا، وَتَغْفِرُوا» می‌خواهد والدین را تشویق کند به این که اگر فرزندان وظایفشان را به درستی انجام ندانند صرف نظر کنند و آن‌ها را بازخواست نکنند.

۳-۳-۳- تنبیه

یکی از آسیب‌های نقش والدین در پرورش مسئولیت‌پذیری فرزندان، تنبیه شدن است. والدینی که بیش‌تر از تنبیه استفاده می‌کنند یعنی با رفتار بد و عدم اطاعت از قوانین، به شدت مقابله می‌کنند و والدین خشم و نارضایتی خود را بلافاصله بروز می‌دهند و پنهان نمی‌کنند؛ و قوانین و انتظارات به طور واضح ابلاغ می‌شود و والدین اصل را بر منفی بودن بچه‌ها می‌گذارند مشکل را در رفتار خود نمی‌دانند، بلکه فرزندان را دارای مشکل می‌دانند و به همین دلیل، بچه‌ها رفتار ضد اجتماعی دارند. محبت و صمیمیت در خانواده بسیار کم است. محیط خانه، محیطی خشک و به دور از محبت است. والدین خواسته‌ها، نیازها و امیال و نظریات فرزندان را در نظر نمی‌گیرند. والدین رفتاری خشونت‌آمیز دارند و بر نظریات و مقرراتی که خود وضع کرده‌اند، پافشاری و اصرار می‌ورزند و هیچ‌گونه انعطافی از خود نشان نمی‌دهند. به امور فرهنگی، معنوی و ارزشی چندان توجه نمی‌شود. والدین به اوقات ارزشمند فراغت فرزندان اهمیت نمی‌دهند.^۴

۳-۴-۳- سرخورده‌گی

^۱ فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ص ۶۷.

^۲ تغابن: ۱۴.

^۳ همان.

^۴ حق جو، اضطراب و نگرانی عامل بیماری‌های روانی، ص ۱۳۵.

والدین با سختگیری بیش از اندازه، حس مسئولیت‌پذیری را در فرزندان از بین می‌برند و در آن‌ها ایجاد سرخوردگی می‌کنند.^۱ کودکانی که در خانواده‌های سختگیر پرورش می‌یابند، دارای این ویژگی‌های رفتاری هستند و مضطرب، بیمناک و هراسان بوده و به والدین وابسته اند. دمدمی مزاجند. زود رنج و انفعالی اند، زود ناراحت و منفعل می‌گردند. پرخاشگر و حيله‌گرند. روحیه نفاق و دورویی در آن‌ها رشد می‌کند.^۲ در برابر فشارهای روانی آسیب‌پذیرند. بی‌هدف و بی‌اراده‌اند و شخصیتی تحقیر شده دارند.^۳

۳-۵- اضطراب

یکی دیگر از آسیب‌های نقش والدین در پرورش مسئولیت‌پذیری فرزندان، اضطراب است. از عمومی‌ترین نیازهای فرزندان، کسب استقلال از افراد خانواده و دیگران است. اضطراب در فرزندان بیشتر دیده می‌شود که دچار مسئولیت‌های زیادی از طرف والدین هستند. کسب استقلال در قبال مسئولیت‌های زیاد، بسیاری از فرزندان را دچار اضطراب می‌کند. از جمله حالاتی که در زمینه مستقل شدن دیده می‌شود، تضاد و دوگانگی است؛ یعنی فرزندان می‌خواهند و می‌دانند که باید مستقل شوند از استقلال نیز می‌ترسند. والدین باید به فرزند خویش مسئولیت و فرصت بدهد که در بسیاری از امور مربوط به خود اظهار عقیده کند و تصمیم بگیرد؛ اگرچه اشتباه کند؛ و نباید فرزندان را به سبب اشتباهاتشان مورد تنبیه یا تحقیر قرار دهد؛ بلکه باید به آن‌ها این فلسفه را بیاموزد که زندگی سراسر تلاش و مبارزه است و آن‌ها می‌توانند از خطاهای خود درس‌های مفیدی بیاموزند. در نیاز فرزندان به کسب استقلال تفاوت‌های فردی وجود دارد. به همین دلیل نباید آنها را در قبول مسئولیت‌ها، مقایسه ملامت‌آمیز کرد؛ زیرا گاهی باعث دل‌سردی، احساس ناامنی و اضطراب می‌شود و باعث می‌شود که دیگر مسئولیت خویش را به خوبی انجام نمی‌دهد و دچار اضطراب می‌شود.^۴ قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «إِذْ جَاءُوكُم مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا»^۵؛ «نگاه که از سمت بالا و از سمت پایین بر شما تاختند، چشمها خیره شد و دلها به گلوگاه رسیده بود و به خدا گمانهای گوناگون می‌بردید.» وظایف و مسئولیت‌های زیاد

^۱ کریم، پرورش دینی کودک، ص ۶۰.

^۲ همان.

^۳ همان.

^۴ فیاضی، فصل شکوفایی ۱: درباره بلوغ دختران، ص ۵۲.

^۵ احزاب: ۱۰.

از جانب والدین، فرزندان را تا سرحد مرگ می‌کشاند و حالت طبیعی را از او می‌گیرد و گرفتار بحران عدم تعادل روانی می‌کند. یکی از دلایل اساسی در اضطراب ناشی از مستقل شدن، عدم آگاهی از وضعیتی است که فرزند بعد از مستقل شدن پیدا خواهد کرد. برای جلوگیری از این دوگانگی، والدین باید وضعیتی فراهم آورند تا فرزندان با به دست آوردن اعتماد به نفس، امنیت روانی و جرأت تجربه کردن، به تدریج درصدد کسب استقلال در پذیرفتن مسئولیت‌ها بر بیایند.

۳-۶- توقع زیاد

یکی از آسیب‌های نقش والدین در پرورش مسئولیت‌پذیری فرزندان، توقع زیاد است. والدینی از فرزندان خود توقع زیادی دارند همان‌طور که خود می‌گویند، می‌نویسند و می‌خوانند و کاری انجام می‌دهند و یا اعمال و رفتاری که خود دارند، فرزندان هم نیز همان‌طور باشند و یا هر چه آن‌ها دستور می‌دهند فرزندان بدون چون و چرا انجام دهند و اعتراض نکنند که اگر اعتراض شود، مساوی با عصبانیت و برخورد خشن از طرف ایشان خواهد بود؛ بنابراین توانایی همه فرزندان یکسان نیست؛ و علم فرزندان متفاوت است، زمینه‌های تربیتی و خانوادگی فرزند متفاوت است، بنابراین هرگز دو فرزند مثل هم نمی‌شوند و والدین نباید از فرزندان خویش توقع داشته باشد که فرزندان مثل او باشند، مثل او فکر کنند، بخوابند، تصمیم بگیرند؛ و اگر والدین توقعش را از فرزندان کاهش ندهد و به توانایی فرزندش توجه نکند، بخش بسیاری از بیماری توقعات نا بجا در وجود خود را از بین برده است؛ بنابراین توقع زیاد از فرزندان نیز امر درستی نیست. گاهی والدین دوست دارند آنچه خود به آن نرسیده‌اند. فرزندشان به آن برسد و شکست‌های آن‌ها را جبران کند. در هر مورد دقت به توانایی جسمی، روحی، علمی، قدرت فراگیری فرزند، بسیار مهم است. هر کس ظرفیتی خاص دارد، باید استعدادها شناخته‌شده و سپس روی استعدادها به روش درست و صحیح کار شود تا نتیجه مطلوب به دست آید. به این جهت که توقع ابعاد و جلوه‌های متعدد دارد. ابتدا والدین باید به اعضای خانواده میدان دهد و سپس از آنان کار بخواهد.^۱

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تُمَدَّنْ عَيْنَيْكَ»^۲؛ «نسبت به زرق و برق بهت زده نباش.» آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ»^۳ اگر یک چیزی به یک کسی دادیم، به تو ندادیم، تو به آنچه خدا داده است، راضی باش. چون ما نمی‌دانیم، پشت این نعمت‌ها چیست.» این

^۱ حق جو، افسردگی (زمینه پیشگیری و درمان) در مکتب قرآن و عترت، ص ۵۱.

^۲ طه: ۱۳۱.

^۳ نساء: ۳۲.

آیات اشاره به این دارد که والدین نسبت به وظایفی که به فرزندان می‌دهند توقعات زیادی نداشته باشند؛ و توقع والدین از فرزند خویش در پذیرفتن مسئولیت‌ها باید توقع نرمال و متعادل باشد

۳-۷- واکنش درونی

برخی از فرزندان در مقابل مسئولیت‌هایی که از والدین به آن‌ها داده می‌شود دچار هیجان درونی می‌شوند. ممکن است این فرزندان، به صورت ظاهر، عکس‌العملی از خود نشان ندهند، اما فشار این مسئولیت‌ها روی روح آن‌ها اثر منفی و مخرب می‌گذارد. عکس‌العمل فشار عصبی در چنین فرزندان به صورت گوشه‌گیری یا انزواطلبی و افسردگی بروز می‌کند و آن‌ها را از اجتماع بیزار می‌نماید. این‌گونه فرزندان، زمینه بروز فشار عصبی را ندارند، می‌ترسند و یا خجالتی هستند؛ بنابراین فشارهای عصبی خود را به صورت افسردگی تخلیه می‌کنند.^۱ هر کدام از این واکنشها خود آثار سوئی در پی دارد، که باید این بیماری‌ها شناخته و درمان شوند و اگر درمان نشوند، فرزندان را با ضربه‌های شدیدتر روحی روبرو می‌سازند.

۳-۸- بیزاری

از دیگر آسیب‌های نقش مادر در پرورش مسئولیت‌پذیری فرزندان، بیزاری است. والدین، متناسب با سن فرزند خویش، استعداد، آمادگی، توان بدنی و ادراکی کودکان انجام بعضی از کارها را به آن‌ها بسپرنند تا آن‌ها از زمان طفولیت مسئولیت‌پذیر بار بیایند. در تعالیم اسلامی نیز به اهمیت مسئولیت‌پذیری اشاره شده است از امام علی (علیه‌السلام) به فرزند خویش امام حسن (علیه‌السلام) است که می‌فرماید: «وَ اجْعَلْ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ خَدَمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُهُ بِهِ فَإِنَّهُ أَحْرَى أَنْ لَا يَتَوَكَّلُوا فِي خَدَمَتِكَ»^۲؛ «برای هر یک از کارکنان منزل کاری را معین کن و مسئولیت آن را بر عهده‌اش بگذار. وقتی وظیفه خود را فهمیدند، به امید دیگران از زیر کار شانه خالی نمی‌کنند.»

فرزندان علاقه دارند از والدین تقلید کنند و کارهای منزل را انجام دهند؛ بنابراین اگر فرزندان، خود به انجام کاری اظهار تمایل کردند، پدر و مادر باید از این تمایل استفاده کنند و انجام کارهای منزل و کمک کردن به والدین را به عنوان یک ارزش به آن‌ها یاد دهند و فشار زیادی به آن‌ها وارد نکنند تا به کار کردن عادت کنند و فردی تنبل و راحت طلب تربیت نشوند. در موقع واگذاری مسئولیت به فرزند باید مقدار توانایی و صبر و حوصله وی را در نظر گرفت و کارهای دشوار و خسته‌کننده را

^۱ حق جو، افسردگی (زمینه پیشگیری و درمان) در مکتب قرآن و عترت، ص ۵۴.

^۲ نهج‌البلاغه، نامه ۳۱، ص ۷۱.

بر عهده‌اش نگذاشت، زیرا ممکن است از کار کردن بیزار گردد و در آینده، از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند. خداوند بزرگ هم انسان‌ها را در حد توانمندی‌شان مکلف ساخته است: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^۱ «خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.» بنابراین وظایف افراد خانواده برای فرزند شرح داده شود؛ به او گفته شود پدر کار می‌کند و زحمت می‌کشد تا مخارج منزل را تأمین کند. مادر هم کارهای داخل خانه را انجام می‌دهد. تو نیز یکی از افراد خانواده هستی و برای اداره امور منزل باید همکاری داشته باشی و به اندازه‌ای که می‌توانی کمک کنی، البته باید در این مورد از اعمال زور و تحمیل خودداری گردد؛ و حدود و مقدار مسئولیت را دقیقاً برای کودک روشن کرد تا تکلیف را بفهمد و شک و تردید نداشته باشد.

۳-۹- عدم اعتماد به نفس

از دیگر آسیب‌های نقش والدین در پرورش مسئولیت‌پذیر فرزندان، عدم اعتماد به نفس است. والدینی که فرزندان خویش را تشویق به قبول مسئولیت‌ها نمی‌کنند و شکست‌های فرزند خویش را یادآوری می‌کنند و مسئولیتی به وی نمی‌دهند و او را ناتوان در انجام دادن کارها می‌دانند و تحقیر می‌کنند. تهدیدی جدی برای اعتماد به نفس فرزندان است. زیاده‌روی در تشویق، به ویژه تشویقی که رنگ رشوه به خود بگیرد، نه تنها سودی ندارد، بلکه آثار منفی آن موجب ناامیدی و دلسردی فرزندان می‌شود. روح فرزند، تشنه قدردانی، تحسین و تشویق است. والدین باید توجه کودکان را به جنبه‌های مثبت رفتاری و شخصیتی‌شان، جلب و توانایی‌های آنان را در انجام دادن کارها بیان کنند. ضعف‌ها را نیز با بزرگ جلوه دادن دیگر قوت‌هایشان برطرف سازند. هم‌چنین پدر و مادر باید از تحقیر و سرزنش کودک برای گرفتن نمره بد یا کمتر از بیست بپرهیزند؛ برای جبران ضعف‌هایش به او فرصت دهند و در این زمینه یاری‌اش کنند. از او به عنوان عضوی مؤثر در خانواده بهره‌گیرند و وی را در امور خانه سهیم سازند تا احساس ارزشمند بودن را به او انتقال دهند. در وظیفه‌ای هم که به کودک سپرده می‌شود، باید دقت داشت و روند پیشرفت‌ش را در انجام دادن آن وظیفه پیگیر بود.^۲ قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۳؛ «دستاورد انسان چیزی جز سعی و تلاش او نیست.» این آیه اشاره به این دارد که مفهوم اعتماد به نفس به این قرار است که فرزندان با

^۱ بقره: ۲۸۶.

^۲ شکوهی، آشنایی با مهارت‌های زندگی از دیدگاه اسلام ص ۲۴.

^۳ نجم: ۳۹.

تفکر، عقل و اندیشه‌اش تصمیم مناسبی بگیرد و آنگاه تا رسیدن به آن هدف قاطعانه ادامه دهد. همچنین والدین باید یقین داشته باشند که فرزندان‌شان در رسیدن به آنچه بر آن مصمم است توانا هستند.

نتیجه‌گیری

والدین مسئولیت‌هایی را که به فرزندان می‌دهند باید با سن کودک و دوره رشد آن متناسب باشد؛ بنابراین مسئولیت‌ها نباید هرگز تحمیلی باشد زیرا باعث احساس خستگی می‌شود. فرزندان غالباً از اینکه با دیگران مقایسه شوند و احساس کنند که دیگران از خودشان با استعدادتر و بهتر هستند می‌ترسند. مهم است که فرزندان بهانه نیاورند و خود را با دیگران مقایسه نکنند زیرا در این صورت

فرصت موفقیت برای خود باقی نمی‌گذارند؛ چون احساس ترس باعث می‌شود تا آن‌ها از وارد شدن در دنیای ناشناخته‌ها، دوری کرده و ناحیه امن خود را حفظ کنند. پذیرفتن مسئولیت همچنین نباید با احساس گناه یا بدهکاری یا اعمال زور و مبارزه همراه باشد، بلکه باید بدون فشار مالی یا عاطفی مطرح شود. اگر فرزند احساس کند با زور او را مجبور به انجام کاری کرده‌اند، ممکن است خود او همچنین روشی را در پیش بگیرد، یعنی علاوه بر نپذیرفتن آن مسئولیت، سعی کند از طریق زورگویی یا لجبازی به خواسته‌های خود برسد. در موقع واگذاری مسئولیت به فرزند باید مقدار توانایی و صبر و حوصله وی را در نظر گرفت و کارهای دشوار و خسته‌کننده را بر عهده‌اش نگذاشت، زیرا ممکن است از کار کردن بیزار گردد و در آینده، از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

کتب فارسی

- ۱- حائری شیرازی، محمدصادق، «تربیت اسلامی»، تهران: انتشارات الشمس، چاپ سوم، ۱۳۵۹ ش.
- ۲- حر عاملی، محمد بن حسن، «وسائل الشیعه»، تهران: کتابچی، چاپ دهم، ۱۳۸۶ ش.
- ۳- حق جو، محمدحسین، «افسردگی (زمینه پیشگیری و درمان) در مکتب قرآن و عترت»، تهران: انصار المهدی (عج)، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- ۴- حق جو، محمدحسین، «اضطراب و نگرانی عامل بیماری‌های روانی»، قم: انصار مهدی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- ۵- داوودی، محمد، «نقش معلم در تربیت دینی»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ نهم، ۱۳۹۹ ش.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، «لغت‌نامه دهخدا»، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۴۲ ش.
- ۷- شکوهی، مسعود، «آشنایی با مهارت‌های زندگی از دیدگاه اسلام»، قم: دفتر عقل، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
- ۸- عطاردی، عزیز الله، «مسند الامام الرضا»، جلد اول، تهران: عطارد، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ ش.
- ۹- عمید، حسن، «فرهنگ عمید»، تهران: امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۰- فرجاد، محمدحسین، «آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات»، تهران: آوای نور، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۹۴ ش.
- ۱۱- فلسفی، محمدتقی، «کودک از نظر وراثت و تربیت»، تهران: معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۲- فیاضی، مجید، «فصل شکوفایی ۱: درباره بلوغ دختران»، تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۱ ش.
- ۱۳- کریم‌زاده، زهرا، «پرورش دینی کودک»، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.

- ۱۴- مجلسی، محمدباقر، «بحار الانوار»، تهران: اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۵- مصباح، مجتبی، «فلسفه اخلاق»، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۶- مصباح، علی و دیگران، «روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی» جلد دوم، تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۷- مصطفی، ابراهیم و دیگران، «معجم الوسیط»، تهران: صادق، چاپ ششم، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۸- مظلومی، رجب‌علی، «گامی در مسیر تربیت اسلامی»، تهران: آفاق، چاپ اول، ۱۳۶۵ ش.
- ۱۹- مصطفوی، حسن، «التحقیق»، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش.
- ۲۰- مکارم، ناصر، «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب اسلامیه، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۲ ش.